



Coordination and Conflict in Participatory Criminal Policy: A Comparative Study of Iran and France

Hasan Gholamalizadeh¹, Abbas Sheikholeslami²✉, Hamidreza Mirzajani³

Abstract

Field and Aims: This research conducts a comparative analysis of participatory criminal policy within the legal systems of Iran and France, examining the contrasts and harmonies between them. The primary aim of this study is to identify existing scientific gaps and propose solutions for improving the implementation of participatory criminal policies in both legal frameworks.

Method: Employing a descriptive-analytical method and utilizing legal and jurisprudential resources, this study analyzes the factors influencing the formation and execution of these policies.

Findings and Conclusions: The findings indicate that in Iran, participatory criminal policy is influenced by Sharia principles, religious standards, and social traditions, emphasizing interaction and cooperation between the government and society. Conversely, France, relying on modern legal traditions and citizen-centered judicial procedures, focuses on human rights and social justice. Nevertheless, both countries strive to achieve crime prevention and criminal justice enhancement through the expansion of community participation. This study highlights the role of non-governmental organizations, interaction between the state and citizens, and the adaptation of policies to socio-cultural conditions in strengthening the criminal justice system. The results can lead to the development of processes that, by considering cultural and legal differences, contribute to reducing crime rates and ensuring social justice in both societies.

Keyword: Participatory criminal policy, Criminal justice, Crime Prevention, Comparative Criminal Law.

*Citation (APA): Gholamalizadeh, H.; Sheikholeslami, A.; Mirzajani, H. (2024). Coordination and Conflict in Participatory Criminal Policy: A Comparative Study of Iran and France. *Applied criminology research*, 2(6), 145-169.
https://qacr.ir/article_725381.html?lang=en

1. Ph.D student of Criminal Law and Criminology Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. Email: 63gholamalizadeh@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Author). Email: sheikholeslami@mahdiau.ac.ir
3. Assistant Professor Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. Email: mirzajani@mahdiau.ac.ir



نوع مقاله: پژوهشی

Article Type: Research

doi: 10.22034/AQCR.2025.2058036.1067

سامانه: qacr.ir

هماهنگی و تضاد در سیاست جنایی مشارکتی: مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه

حسن غلامعلی زاده^۱، عباس شیخ الاسلامی^۲، حمیدرضا میرزاجانی^۳

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش به بررسی تطبیقی سیاست جنایی مشارکتی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه پرداخته و تضادها و هماهنگی‌های میان آنها را تحلیل می‌کند. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی خلأهای علمی موجود و ارائه راهکارهایی برای بهبود اجرای سیاست‌های جنایی مشارکتی در هر دو نظام حقوقی است.

روش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و منابع فقهی و حقوقی، به تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری و اجرای این سیاست‌ها می‌پردازد.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران، سیاست جنایی مشارکتی تحت تأثیر مبانی شریعت، موازین دینی و سنت‌های اجتماعی است و بر تعامل و همکاری میان دولت و جامعه تأکید دارد. در مقابل، فرانسه، با تکیه بر سنت‌های حقوقی مدرن و دادرسی شهروندمحور، بر حقوق بشر و عدالت اجتماعی متمرکز است. با این حال، هر دو کشور در تلاش هستند تا از طریق گسترش مشارکت جامعه، پیشگیری از جرم و ارتقای عدالت کیفری را محقق سازند. این مطالعه نقش نهادهای غیردولتی، تعامل میان دولت و شهروندان و تطابق سیاست‌ها با شرایط اجتماعی-فرهنگی را در تقویت نظام عدالت کیفری برجسته می‌سازد. نتایج می‌تواند به تدوین فرآیندهایی منجر شود که با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و حقوقی، به کاهش نرخ جرم و تضمین عدالت اجتماعی در هر دو جامعه کمک کند.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی مشارکتی، عدالت کیفری، پیشگیری از جرم، حقوق کیفری تطبیقی.

استاددهی (APA): غلامعلی زاده، حسن؛ شیخ الاسلامی، عباس؛ میرزاجانی، حمیدرضا. (۱۴۰۳). هماهنگی و تضاد در سیاست جنایی مشارکتی: مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۶)، ۱۶۹-۱۴۵.

https://qacr.ir/article_725381.html

مقدمه

۱. دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

رایانامه: gholamalizadeh@gmail.com^۳

۲. دانشیار گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: sheikhholeslami@mahdiau.ac.ir

۳. استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

رایانامه: mirzajani@mahdiau.ac.ir

تحولات نوین در علوم جنایی، توسعه مفهوم حقوق بشر و گسترش رویکردهای مشارکتی، سیاست‌های جنایی در نظام‌های عدالت کیفری مختلف را به سوی بازننگری و اصلاح سوق داده‌اند. سیاست جنایی مشارکتی، که تأکید آن بر مشارکت فعال جامعه مدنی، شهروندان و نهادهای غیردولتی در فرآیندهای پیشگیری، کشف جرم، رسیدگی قضایی و اصلاح مجرمان است، به عنوان رویکردی مؤثر در بسیاری از کشورها مطرح شده است. در ایران، این سیاست تحت تأثیر آموزه‌های دینی، اصول فقهی و سنت‌های اجتماعی توسعه یافته و از طریق نهادهایی چون شوراهای حل اختلاف، خانه‌های انصاف و مشارکت مردم در اجرای برخی احکام کیفری نمود یافته است. همچنین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اصل امر به معروف و نهی از منکر و استفاده از شوراهای و هیئت‌های منصفه، زمینه‌هایی برای حضور جامعه در نظام عدالت کیفری فراهم کرده است. با این حال، چالش‌هایی نظیر ساختار دیوان‌سالاری، محدودیت‌های فرهنگی و ضعف نهادهای مدنی، اجرای کامل سیاست‌های جنایی مشارکتی در ایران را با دشواری مواجه ساخته‌اند.

در مقابل، فرانسه با بهره‌گیری از سنت حقوقی رومی-ژرمنی و رویکردی شهروندمحور، موفق شده است با تدوین سازوکارهای قانونی و اجرایی مناسب، مشارکت عمومی را در سیاست جنایی نهادینه کند. این کشور، به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ میلادی، به توسعه سیاست‌های جنایی مشارکتی با هدف تقویت امنیت اجتماعی، کاهش نرخ جرم و ارتقای حقوق فردی و اجتماعی شهروندان پرداخته است. سیاست جنایی مشارکتی فرانسه از طریق ابزارهایی مانند میانجیگری کیفری و همکاری گسترده با سازمان‌های مردم‌نهاد توانسته است سطح اعتماد عمومی را افزایش دهد و بازپذیری اجتماعی مجرمان را تسهیل نماید. بعلاوه، تحقیقات مرتبط با سیاست جنایی فرانسه، تأثیرات مثبت استفاده از میانجیگری کیفری و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را در کاهش نرخ جرم و تقویت عدالت اجتماعی برجسته کرده‌اند.

پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که در ایران، شوراهای داوری و خانه‌های انصاف نقش برجسته‌ای در افزایش مشارکت مردمی در عدالت کیفری ایفا کرده‌اند (قطب‌الدینی، ۱۳۹۸: ۱۰۰؛ صدری، ۱۳۴۷: ۱۲۷). همچنین، پژوهش‌های دیگری بر موانع ساختاری و فرهنگی تحقق سیاست جنایی مشارکتی در ایران تمرکز داشته‌اند (حیدرخواه، ۱۳۹۷: ۵۹). با این حال، تحلیل تطبیقی و عمیق تضادها و هماهنگی‌های موجود در سیاست‌های جنایی مشارکتی ایران و فرانسه و تأثیر تفاوت‌های ساختاری، فرهنگی و قانونی بر شکل‌گیری و اجرای این سیاست‌ها، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع

کتابخانه‌ای و اسناد حقوقی، تلاش دارد ضمن تبیین مفاهیم و سیر تحول سیاست جنایی مشارکتی، نقاط قوت و ضعف هر نظام را شناسایی و پیشنهادهای برای ارتقای کارآمدی این سیاست در ایران ارائه دهد. سؤال اصلی پژوهش این است که: چگونه تفاوت‌های ساختاری، فرهنگی و قانونی میان ایران و فرانسه بر شکل‌گیری و اجرای سیاست جنایی مشارکتی در این دو کشور تأثیر گذاشته و چه راهکارهایی برای ارتقای کارآمدی این سیاست در ایران وجود دارد؟ بر این اساس، فرضیه پژوهش آن است که تفاوت‌های فرهنگی و قانونی میان ایران و فرانسه منجر به شکل‌گیری رویکردهای متفاوت در اجرای سیاست جنایی مشارکتی شده و محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی در ایران مانع تحقق کامل این سیاست می‌شود. با این وجود، بهره‌گیری از تجارب موفق فرانسه و تطبیق آن با شرایط بومی ایران می‌تواند زمینه‌ساز تحقق سیاست جنایی مشارکتی مؤثرتر و کارآمدتر در کشور باشد.

۱. سیاست جنایی: از مفهوم تا مشارکت اجتماعی

سیاست جنایی به مجموعه‌ای از تدابیر و راهبردها اطلاق می‌شود که جامعه برای مقابله با جرائم و تأمین امنیت عمومی اتخاذ می‌کند. این مفهوم در طول تاریخ تکامل یافته و شامل دیدگاه‌های مختلف از واکنش‌های کیفری سخت‌گیرانه تا اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی است (موسوی‌فر و خسروی، ۱۴۰۱: ۱۱۴). در این میان، سیاست جنایی مشارکتی به‌عنوان رویکردی نوین مطرح شده که تأکید دارد بر تعامل میان دولت، شهروندان و نهادهای غیردولتی در فرآیند پیشگیری و مدیریت جرم. این رویکرد با بهره‌گیری از مشارکت فعال جامعه، به دنبال ایجاد امنیت اجتماعی پایدارتر و ارتقای عدالت کیفری است. این بخش با هدف بررسی بنیادین مفهوم سیاست جنایی و سیاست جنایی مشارکتی، به ارائه تعریفی جامع از این مفاهیم و جایگاه آنها در نظام عدالت کیفری می‌پردازد. ابتدا، به تبیین مفهوم سیاست جنایی و گستره آن در نظریه و عمل پرداخته، سپس نقش مشارکت اجتماعی در تکامل سیاست جنایی و تعامل آن با ساختارهای حقوقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این تحلیل، پایه‌ای برای درک بهتر روابط میان امنیت اجتماعی، عدالت و حقوق شهروندان در جوامع مختلف فراهم می‌کند.

۱-۲. مفهوم سیاست جنایی

واژه سیاست دارای معانی متفاوتی است که اغلب به مدیریت و ریاست مرتبط می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۴: ۱۰۸). سیاست جنایی به تدابیر و راهبردهای اتخاذشده توسط دولت‌ها یا مقامات قضایی برای مقابله با جرم و تأمین امنیت عمومی اطلاق می‌شود. اصطلاح سیاست

جنایی که با واژه‌های فرانسوی «Politique crimuelle» و انگلیسی «Policy criminal» معادل است، اشاره به سیستمی دارد که شامل تعیین قوانین، تدوین استراتژی‌ها، پیشگیری از جرم، حفاظت از حقوق شهروندان و پیگیری پرونده‌های جنایی است که بر اساس ارزش‌های حقوقی و اخلاقی جامعه شکل می‌گیرد (حیدرخواه، ۱۳۹۷: ۴۹).

در طول زمان، تفسیر سیاست جنایی تحول یافته و به دو دسته تعریف مضیق و موسع تقسیم شده است. تعریف مضیق، سیاست جنایی را به قوانین و مجازات‌های کیفری محدود می‌کند که هدفشان ایجاد ترس از مجازات و پیشگیری از جرم است؛ اما تعریف موسع، به ابزارهای کیفری، اجتماعی و حتی غیرحقوقی اشاره دارد که در راستای پیشگیری از جرم و فراهم‌سازی شرایط بهتر اجتماعی و اقتصادی برای جلوگیری از جرایم، همکاری می‌کنند تا نرخ جرم کاهش یابد و امنیت جامعه افزایش پیدا کند (لازرژ، ۱۳۹۰: ۹). در مقابل، تعریف دلماس مارتی از سیاست جنایی در معنای مفهوم موسع، نوآوری‌هایی را در بر دارد؛ وی در بیان مفهوم سیاست جنایی می‌گوید: «سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیئت اجتماع با توسل به آن، پاسخ‌های خود به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد؛ اولین نوآوری این تعریف، گسترش شیوه‌ها و روش‌های مورد استفاده در سیاست جنایی است، بدون محدودیت به قوانین سخت و سرکوبگرانه. دوم اینکه نقش همه اجزای جامعه از دولت تا شهروندان در کنترل جرم پذیرفته شده و نه فقط بخش دولتی. سومین نوآوری این است که پدیده‌های مجرمانه، فقط جرائم نیستند، بلکه انحرافات دیگری را نیز شامل می‌شوند که نیاز به مداخله قضایی و جامعه دارند. این رویکرد گسترده‌تر بر پیشگیری از جرم و ایجاد شرایطی که جرم کمتری اتفاق بیفتد، تأکید دارد و هدف آن، گسترش امنیت اجتماعی و کاهش جرم است (دلماس مارتی، ۱۳۹۴: ۸۵).

در سیاست جنایی، هم تعریف محدود (مضیق) و هم تعریف گسترده (موسع) آن می‌توانند مفید یا مضر باشند. دیدگاه محدود می‌تواند با تقویت ترس از مجازات، نرخ جرم را کاهش دهد، اما ممکن است عدالت را نادیده بگیرد و به نارضایتی منجر شود. دیدگاه گسترده سعی در کاهش جرم از راه بهبود فرصت‌های شغلی و اقتصادی دارد که می‌تواند امنیت را افزایش دهد، ولی این رویکرد ممکن است منابع و هزینه‌های بیشتری احتیاج داشته باشد. در نهایت، سیاست جنایی به تدوین برنامه‌ها و اقداماتی می‌پردازد که هدفشان مقابله با جرم و تقویت امنیت در جامعه است و متکی بر یک دیدگاه جامعه‌شناختی، آماری و علمی است که باید با توجه به تغییرات جامعه، به‌روزرسانی شوند.

۱-۲. مفهوم سیاست جنایی مشارکتی

واژه مشارکت به معنای همکاری، تقسیم مسئولیت و تقسیم کار اشاره دارد و مفهوم آن بر اساس زمینه‌های مختلف، متفاوت تلقی می‌شود. با این وجود، توافق عمومی بر این است که مشارکت نقش کلیدی در توسعه و رفع مسائل اقتصادی و اجتماعی دارد. سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه مدنی در پیشگیری و کنترل پدیده مجرمانه است. عناصر کلیدی سیاست جنایی مشارکتی شامل آگاهی، داوطلبانه بودن و تأثیرگذاری هستند. افراد در جامعه محلی باید از نقش خود در فرآیند دادرسی آگاه باشند و بدون اجبار در اقدامات ترمیمی شرکت کنند. مشارکت افراد باید به گونه‌ای باشد که به طور فعال در تصمیم‌گیری‌ها تأثیرگذار باشد و نه این که تنها به عنوان شهود در جلسات دادرسی حضور داشته باشند (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

سیاست جنایی مشارکتی به افزایش همکاری و مشارکت شهروندان، سازمان‌های غیردولتی و دیگر نهادها در فعالیتهای پیشگیری از جرم و رسیدگی به جرم‌ها تأکید دارد. این رویکرد از دهه ۱۹۷۰ میلادی در کشورهای اروپایی مانند هلند و سوئد در حوزه جنایی وارد شد و سپس، به سایر کشورها گسترش یافت. این رویکرد بر این اصل تکیه دارد که جرایم نه تنها مسئله افراد متخلف است، بلکه مشکلی اجتماعی است که نیازمند مشارکت عمومی در راستای پیشگیری و کاهش آن است. این سیاست، جرم را به عنوان یک مسئله اجتماعی تلقی کرده و بجای تمرکز فقط بر مجازات، بر پیشگیری و کاهش جرم از طریق در نظر گرفتن فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد. همکاری بین نهادهای مختلف برای تحقق این هدف الزامی است و روش‌هایی مانند افزایش آگاهی عمومی، ارتقا تعامل بین مردم و نیروهای امنیتی و ترویج فرهنگ مشارکتی در نظر گرفته شده است. این رویکرد به دنبال کاهش جرائم و تقویت امنیت از طریق فعال‌سازی جامعه است و به عنوان راهکاری مؤثر در بسیاری از کشورها به کار گرفته می‌شود. سیاست جنایی مشارکتی بر تعامل و فعالیت جامعه مدنی در کنار نیروهای دولتی مانند پلیس و دستگاه قضایی در تمام مراحل کشف، دادرسی و اجرای حکم جرم تأکید دارد. این سیاست از ابزارها و اهرم‌های مختلف بجز نیروهای امنیتی و قضایی برای پشتیبانی از اقدامات جنایی و پیشگیری از جرم استفاده می‌کند و توسط قوه مجریه و قانون‌گذار تدوین می‌شود. در واقع، مشارکت عمومی و سازمانی در پیشگیری از جرم بخش حیاتی از سیاست جنایی مدرن است که به دلیل چالش‌های نظام‌های سنتی مبارزه با جرم، مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است.

این رویکرد مشارکتی شامل دو گونه پیشگیری کنشی (فعال)، که قبل از وقوع جرم جهت حذف یا تغییر موقعیت‌های بزه‌زا و کاهش عوامل جرم‌زا اتخاذ می‌شود و پیشگیری واکنشی (منفعل) است که پس از جرم به منظور کاهش نرخ بزهکاری و جلوگیری از تکرار جرم و ارباب جمعی از طریق اجرای عدالت کیفری به کار گرفته می‌شود. این دو شیوه نشان‌دهنده نقش مهم جامعه در پیشگیری فعال و مبارزه با جرم است و بیان‌کننده دموکراسی در عملکرد سیستم عدالت کیفری می‌باشد. هدف سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی، مجازات و بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران است. در واقع، امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد. بنابراین، از آنجا که پیشگیری و امنیت دو مقوله تفکیک‌ناپذیرند که همه سیاست‌گذاران جنایی آن را درک کرده‌اند، می‌توان گفت که سیاست جنایی مشارکتی بر آن است که این دو گام را با توسل به خود مردم تأمین نماید (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۶).

۲. سیاست جنایی مشارکتی در ساختار حقوق کیفری ایران

مشارکت مردمی در سیاست جنایی دارای ریشه‌های تاریخی و تأثیرات مذهبی و فلسفی است که به فرم مدرن آن در سیاست جنایی امروزی منجر شده است. تاریخ تحولات قوانین حقوق ایران در بحث جایگاه مشارکت مردم در سیاست جنایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، در خور بررسی است. در میان قوانین و مقررات قبل از انقلاب اسلامی، خاصه دوران مشروطه، نهادهایی که به واقع نقش موثری در شکل‌گیری سیاست جنایی مشارکتی داشتند، خانه‌های انصاف و شورای دآوری بودند که به منظور مشارکت مردم در پیشگیری و سازگاری با قوانین و مقررات مدنی و جلوگیری از تعارضات و نزاعات ایجاد شدند (استخر، ۱۳۷۸: ۵۴).

بعد از انقلاب مشروطه، به دلیل ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و عدم دسترسی کشاورزان به دادگاه‌ها، مشکلاتی در رسیدگی به دعاوی کوچک روستاییان وجود داشت. قانون کدخدایی^۱ به کدخداها اجازه می‌داد تا برخی از دعاوی جزئی را حل و تسویه کنند. در نهایت، نارضایتی‌های ایجادشده منجر به تأسیس خانه‌های انصاف شد که به رسیدگی به دعاوی بدون هزینه می‌پرداختند و به عدالت به صورت غیررسمی کمک می‌کردند. این خانه‌ها توسط

۱. ماده ۷ قانون کدخدایی مصوب ۱۳۱۴/۰۹/۲۰ مقرر شده بود: «کدخدایان باید امور رعیتی و فلاحتی را مطابق دستور و نظریات مالک، تحت مراقبت قرار دهند و می‌توانند دعاوی جزئی بین اهالی ده را که قیمت آن از پنجاه ریال تجاوز نکند، به کدخدا منشی حل و تسویه نمایند و منازعات و اختلافات حاصله بین اهالی را جلوگیری و در صورت وقوع، حتی‌الامکان به صلح خاتمه دهند».

معمدین محلی اداره می‌شدند و به رفع اختلافات کمک می‌کردند؛ بدین ترتیب، مردم دسترسی بهتری به عدالت پیدا کردند. در این دوره، خانه‌های انصاف نقش مهمی در حل اختلافات روستاییان داشتند و مشارکت مردمی را بدون نیاز به دادرسی رسمی تسهیل می‌کردند. لازم به ذکر است که خانه‌های انصاف نسبت به دادگستری رسمی ساختار متفاوتی داشتند که شامل محلی بودن و انتخابی بودن قضات بجای انتصاب توسط وزیر دادگستری، فقدان مسئولیت انتظامی که در دادگاه‌های بخش وجود داشت، ملاحظات اجتماعی و نگرش به حیثیت اجتماعی در میان قضات و دانش مرتبط با عرف محل که به کشف حقیقت و صدور رأی عادلانه کمک می‌کرد، می‌شد. علاوه بر این، رسیدگی در خانه‌های انصاف رایگان بود و پروسه رسیدگی بسیار ساده‌تر بود تا محاکم دادگستری که پیچیدگی‌ها و هزینه‌های قانونی داشتند. قضات خانه‌های انصاف نیز قدرت بیشتری در انجام تحقیقات لازم برای کشف حقیقت داشتند تا دلیل مورد نیاز را تحصیل کنند (صدری، ۱۳۴۷: ۹۵).

در دوران پهلوی دوم، علاوه بر خانه‌های انصاف، شوراهای داوری به عنوان نهادهای شبه قضایی تأسیس شدند تا دسترسی به عدالت را برای مردم تسهیل کرده و اختیارات مردمی در امور قضایی را افزایش دهند. این شوراها مشکل از اعضای انتخابی بوده و به صورت رایگان به حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات می‌پرداختند، بدون آنکه به پیچیدگی‌های آیین دادرسی روی آورند. تصمیمات شوراها قابل اجرا و قابل تجدیدنظر بوده و هدف آنها، فراهم کردن زمینه برای اتخاذ تصمیمات عادلانه، جلوگیری از تأخیر در روند قضایی و مقابله با فساد بود. این نهادها همچنین باعث تقویت همکاری بین مردم و قضایی شده و اعتماد عمومی را افزایش داده و منجر به بهبود شناخت مردم از نیازهای خود و خدمات قضایی شده‌اند (قطب‌الدینی، ۱۳۹۸: ۹۸).

این نهادها امکان دسترسی بهتر مردم به عدالت را فراهم کردند و به عنصر تعامل بین مردم و نهادهای قضایی کمک کردند. علی‌رغم کاهش مشارکت‌های مردمی در نظام دادگستری پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس آموزه‌های اسلامی تنظیم شد، بتدریج فرصتی جدید برای مشارکت مردم در امور عدالت به‌ویژه در زمینه‌های پیشگیری و سزادهی ایجاد کرد. باورهای نوینی در این قانون پی‌ریزی شده و تأکید بر اداره امور کشور از طریق آرای عمومی و انتخابات، همچون انتخاب رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس قید گردیده است. همچنین، قانون اساسی بر امر به معروف و نهی از منکر به

عنوان وظیفه‌ای همگانی تأکید داشته^۱ و شرایط آن را مشخص می‌کند؛ که به پیشگیری از جرم و تقویت بازدارندگی از طریق مشارکت‌جویانه کمک می‌کند. شوراهای مختلف از جمله شوراهای شهری تا تخصصی در قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند^۲ که با هدف تامین عدالت اجتماعی و همکاری در تهیه برنامه‌های امور مختلف کشوری شکل گرفته‌اند. در نهایت، با قانون‌گذاری‌های خاص، اصل ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی^۳ محاکمات علنی و حضور هیئت منصفه در رسیدگی‌های جرایم سیاسی و مطبوعاتی را تضمین کردند که این موارد نیز به مشارکت مردم در امور قضایی کمک می‌کند.

۲-۱. ابعاد ماهوری سیاست جنایی مشارکتی

مشارکت مردم در نظام قضایی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷، از جنبه‌های مختلفی مشهود است. مردم در مراحل گوناگونی از اثبات جرم حدی مثل زنا و اجرای حدود، همچون سنگسار، دخیل هستند. این مشارکت می‌تواند از طریق اقامه شهادت یا شرکت مستقیم در اجرای

۱. اصل ۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت بخیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت؛ شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند».

۲. اصل ۱۰۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله‌مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند».

اصل ۱۰۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند».

اصل ۱۰۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند».

۳. اصل ۱۶۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی‌بودن آن منافی عفت یا نظم عمومی باشد یا در دعای خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

اصل ۱۶۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند».

مجازات باشد. در مقام اجرای حکم قصاص نیز، اولیای دم نقش کلیدی دارند و در تعیین و اجرای مجازات دخالت می‌کنند (موسوی الخمینی، ۱۳۷۰، ج ۴: ۳۳۷). علاوه بر این، در جرایم قابل گذشت، از جمله جرایم ناظر بر حقوق خصوصی افراد، زیان‌دیده می‌تواند در تعقیب یا گذشت جرم مشارکت کند که این بر مبنای فرهنگ و قوانین اسلامی و اصول قضایی استوار است (آشوری، ۱۳۹۹: ۱۴۵). در رابطه با دیه نیز، ضمن اینکه پرداخت آن به عنوان جبران خسارت و مجازات در جرایم دیده می‌شود، گاهی اوقات جامعه نیز در تأمین دیه از طریق عاقله یا بیت‌المال مشارکت دارد. این نوع مشارکت‌ها نشانگر نهادینه‌شدن حس مسئولیت اجتماعی و کمک متقابل در جامعه اسلامی ایران است. همچنین، قوانین جدیدتری مانند تعویق صدور حکم و ارائه خدمات عمومی رایگان نیز به مشارکت مردمی توجه دارند. تعویق صدور حکم به دادگاه این امکان را می‌دهد تا به مجرم فرصتی برای اصلاح داده شود و در صورت رفتار مناسب در طول این دوره، از مجازات معاف گردد. از سوی دیگر، خدمات عمومی رایگان، جایگزینی برای حبس هستند که بزهکاران را تشویق می‌کند تا با انجام خدمات مفید اجتماعی به نفع جامعه، کیفر خود را سپری کنند. این رویکردها نشان از سیاست جنایی مشارکتی دارد که به فرد فرصت می‌دهد بدون از دست دادن جایگاه اجتماعی‌اش، به جامعه خدمت کرده و در بهبود وضعیت خود کوشش کند (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۴۵).

۲-۲. رویکردهای شکلی در اجرای سیاست جنایی مشارکتی

از آنجا که سیاست جنایی مشارکتی با هدف ترکیب مجازات و اصلاح اجتماعی بزهکاران و تأمین امنیت جامعه اجرا می‌شود، در فرایند کیفری، از کشف و تعقیب جرم تا اجرای حکم، نقش مردمی در این رویکرد سرنوشت‌ساز است. توسعه‌ی نقش مشارکتی مردم در عدالت کیفری نه تنها به فرایندهای پیشگیری کمک می‌کند، بلکه به مشارکت‌های مردمی در دادرسی‌ها نیز وسعت می‌بخشد که در جدیدترین قوانین آیین دادرسی کیفری ایران نیز به آن پرداخته شده است. مشارکت مردم در کشف جرم و دستگیری متهمین یک بخش مهم از فرآیند قضایی است و در سیاست جنایی مشارکتی، نقش کلیدی دارد. قانون آیین دادرسی کیفری به این موضوع پرداخته و به شهروندان امکان می‌دهد که در مرحله اولیه کشف جرم و دستگیری متهمین فعال باشند. این مشارکت می‌تواند به شکل‌های مختلفی مانند ارائه شهادت، مشارکت در تعقیب و تحقیق، همکاری با نهادهای میانجی یا دخالت مستقیم در حفظ صحنه جرم یا جلوگیری از فرار متهمین صورت پذیرد (خالقی، ۱۳۹۴: ۷۱).

به علاوه، این موضوع به طرق مختلفی در قانون آیین دادرسی کیفری به نمایش گذاشته شده است؛ به عنوان مثال، در برخی جرایم کوچک‌تر، فرصت داده می‌شود که متهمین و شاکیان به سمت سازش به پیش بروند و در جرایم جدی‌تر، شهروندان می‌توانند به طور موقت از متهمان نگهداری کنند تا ضابطین برسند. این اقدامات به رفع ایرادات سیستم سستی کمک کرده و به شهروندان قدرت می‌دهد تا در حفظ امنیت و عدالت جامعه خود فعال‌تر باشند. سیاست جنایی مشارکتی به دنبال ارتقای همکاری بین مردم و مقامات قضایی است تا از این طریق، عدالت کیفری با کمک جامعه پیاده‌سازی و اجرای آن تسهیل گردد. این مشارکت از طریق عناصری مانند میانجی‌گری، برگزاری دادرسی‌های علنی و فراهم آوردن فرصت برای اصلاح مجرمین از طریق اشتغال و تحصیل خارج از محیط زندان (مانند نظام‌های نیمه‌آزادی)، تحقق می‌یابد (تاج زمان، ۱۳۶۶: ۳۵۰).

مجموع این تدابیر سیاستی نشان می‌دهد که نظام قضایی به سمتی در حرکت است که در آن، مردم نه تنها بی‌تفاوت نیستند، بلکه به عنوان بازویی تعیین‌کننده و فعال در تحقق اهداف عدالت کیفری عمل می‌کنند.

۳. سیاست جنایی مشارکتی در نظام حقوق کیفری فرانسه

سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین رویکردهای معاصر در نظام عدالت کیفری شناخته می‌شود. این سیاست که بر مشارکت مستمر ذی‌نفعان مختلف از جمله قضات، دادستان‌ها، وکلا، نهادهای مدنی و مردم تأکید دارد، پاسخی جامع به ناکارآمدی روش‌های سنتی عدالت کیفری است. هدف این رویکرد، ایجاد یک جامعه امن‌تر و عادلانه‌تر است که در آن، تمامی افراد، فارغ از وضعیت اجتماعی یا اقتصادی‌شان، از حقوق یکسان و متعادل برخوردار باشند. این مدل جامع به دنبال ایجاد توازن میان پیشگیری از جرم، اصلاح بزهکاران، بازپذیری مجرمان و حمایت از حقوق قربانیان است. سیاست جنایی مشارکتی فرانسه علاوه بر تأکید بر مجازات، از ابزارهایی مانند میانجی‌گری کیفری و مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد بهره می‌برد تا فرآیندهای دادرسی کیفری را تسهیل کرده و با کاهش بار دادگاه‌ها، عدالت ترمیمی را ارتقاء دهد.

این شیوه به ویژه در زمینه بازگشت مجرمان به جامعه از طریق اقدامات اصلاحی و تربیتی، در پی ایجاد امنیت عمومی و کاهش وابستگی به نهادهای سنتی مانند پلیس و دادگاه‌ها است. از سوی دیگر، سیاست جنایی مشارکتی فرانسه با اتکا بر تجربه غنی این کشور در زمینه قانونگذاری و سازماندهی نهادهای اجتماعی، به طور خاص در تلاش است تا مشارکت فعال

جامعه را در تمام مراحل دادرسی کیفری از کشف جرم، تعقیب و تحقیقات تا صدور حکم و اجرای آن تأمین کند. این مشارکت نه تنها به بهبود کارایی سیستم عدالت کمک می‌کند، بلکه به دموکراتیک‌تر شدن فرآیندها و تأمین حقوق فردی و اجتماعی در جامعه می‌انجامد. این رویکرد که به سرعت در حال تکامل و گسترش است، به عنوان پاسخی به چالش‌های مدرن مانند افزایش نرخ جرم، جهانی‌شدن و نیاز به تضمین حقوق بشر شکل گرفته است. در این میان، نقش نظریه پردازانی همچون میشل فوکو و ژان ژاک روسو برجسته است. فوکو بر رابطه قدرت و دانش و نقش نظام‌های نظارتی تأکید دارد و به استفاده از دانش برای هدایت رفتارهای اجتماعی می‌پردازد (فوکو، ۱۴۰۰: ۸۴).

روسو نیز با طرح ایده قرارداد اجتماعی، بر مسئولیت متقابل افراد و جامعه در حفظ قوانین تأکید دارد (روسو، ۱۴۰۰: ۹۷). این دیدگاه‌ها به شکل‌گیری سیاست جنایی فرانسه کمک کرده‌اند تا علاوه بر مجازات مجرمان، بر اصلاح و بازگشت آنان به جامعه تمرکز شود. در این ساختار، مشارکت فعال جامعه مدنی نقشی کلیدی دارد. سیاست جنایی فرانسه، با گسترش ابزارهایی نظیر میانجی‌گری کیفری که از دهه ۱۹۸۰ معرفی شده‌اند، امکان حل و فصل اختلافات بدون نیاز به دادرسی‌های پیچیده را فراهم کرده است. این رویکرد به قربانیان و مجرمان امکان می‌دهد که در فرایندهای کیفری مشارکت کنند و از طریق جبران خسارت و آموزش‌های اصلاحی به جامعه بازگردند (Fionda, 1995: 90).

اصلاحات قانونی در فرانسه، به‌ویژه در سال ۲۰۰۰ و با تصویب ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را در حمایت از بزه‌دیدگان تقویت کرده است. این سازمان‌ها می‌توانند قربانیان را در تمام مراحل، از کشف جرم تا اجرای حکم، همراهی کنند. در موارد خاص، حتی بدون رضایت بزه‌دیده، این سازمان‌ها می‌توانند در حمایت از حقوق قربانیان مداخله کنند. همچنین، شفافیت در دادرسی و توجه به حقوق قربانیان از ویژگی‌های برجسته این سیاست است. حمایت از شاهدان تضمین صحت شهادت‌ها و علنی بودن فرایندهای کیفری نشان‌دهنده تعهد سیاست جنایی فرانسه به احترام به حقوق فردی و اجتماعی است. در نهایت، سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه، با تأکید بر دموکراتیک‌کردن فرایندهای کیفری و تعامل میان نهادهای رسمی و جامعه، در پی تحقق عدالت اجتماعی و امنیت عمومی است. این سیاست، با پذیرش رویکردی جامع‌نگر، به دنبال جایگزینی مدل‌های سنتی با رویکردی مبتنی بر همکاری و مشارکت فعال مردم در فرایندهای کیفری است. هدف نهایی

آن، ایجاد جامعه‌ای متعادل‌تر، امن‌تر و مبتنی بر احترام به حقوق برابر همه افراد است (Pradel, 2018: 84).

۳-۱. ابعاد ماهوی سیاست جنایی مشارکتی

در قوانین ماهوی فرانسه، سیاست جنایی مشارکتی بر چند محور اساسی استوار است که ماهیت و اهداف آن را شکل می‌دهد. نخست، این سیاست تأکید ویژه‌ای بر حمایت از حقوق اساسی افراد و به‌ویژه، بزه‌دیدگان دارد؛ به گونه‌ای که سازمان‌های مردم‌نهاد نقش فعالی در این زمینه ایفا می‌کنند و در پرونده‌های حساس مانند جرایم تروریستی یا خشونت‌های شدید، حتی بدون رضایت بزه‌دیده می‌توانند به نمایندگی از او وارد عمل شوند. دوم، فردی‌سازی مجازات‌ها یکی از اصول کلیدی این سیاست است که بر اساس تحقیقات دقیق درباره شخصیت بزهکار و شرایط اجتماعی، خانوادگی و روان‌شناختی او تعیین می‌شود. ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تحقیق درباره شخصیت متهم را در جرایم جنایی الزامی می‌داند تا واکنش قضایی متناسب اتخاذ شود. سوم، بازپروری و استفاده از جایگزین‌های حبس از دیگر ابعاد مهم سیاست جنایی مشارکتی است؛ برنامه‌هایی مانند آموزش، خدمات اجتماعی و مشاوره روان‌شناسی به عنوان بخشی از مجازات‌ها اجرا می‌شوند و تدابیری مانند تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و عفو خصوصی با هدف کاهش جمعیت زندان‌ها و تسهیل بازگشت بزهکاران به جامعه مورد توجه قرار می‌گیرند.

علاوه بر این، مشارکت گسترده جامعه مدنی، رسانه‌ها، انجمن‌ها و شهروندان در تمام مراحل فرایند کیفری از کشف جرم تا اجرای حکم و بازپروری، باعث افزایش کارایی، مشروعیت و دموکراتیزه‌شدن سیاست جنایی می‌شود. سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه تلاش می‌کند با در نظر گرفتن اصول عدالت ترمیمی، تعادلی منطقی بین منافع جامعه و حقوق فردی برقرار کند و رویکردی انسانی‌تر در برخورد با جرم ارائه دهد. نهایتاً، این سیاست در چارچوب قوانین ماهوی فرانسه به صورت نظام‌مند و با همکاری قوه مجریه، مقننه و جامعه مدنی تدوین و اجرا می‌شود تا اثربخشی و هماهنگی در مقابله با جرم تضمین شود. این ابعاد نشان‌دهنده رویکردی جامع، انسانی و مشارکتی در سیاست جنایی فرانسه است که فراتر از مجازات صرف، به پیشگیری، حمایت از بزه‌دیدگان و بازپروری بزهکاران توجه دارد (Pires, 2016: 96).

۳-۲. رویکردهای شکلی در اجرای سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه، به‌ویژه در حوزه قوانین شکلی، رویکردی نوین و پیشرفته است که بر تعامل میان نهادهای دولتی، جامعه مدنی و شهروندان تمرکز دارد. این سیاست با هدف تقویت عدالت ترمیمی، کاهش بار دستگاه قضایی و ارتقای نقش اجتماعی در فرآیند دادرسی کیفری طراحی شده است. مهم‌ترین مؤلفه‌های این رویکرد شامل مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، میانجی‌گری کیفری، روش‌های جایگزین حل اختلاف و تقویت حقوق بزه‌دیدگان می‌شود.

ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نقطه عطف این سیاست محسوب می‌شود که به دادستان‌ها اجازه می‌دهد سازمان‌های مردم‌نهاد را از وقوع جرایم مطلع کنند تا بتوانند در حمایت از بزه‌دیدگان مداخله کنند. میانجی‌گری کیفری به عنوان یکی از ابزارهای مهم، امکان مذاکره و توافق میان بزه‌کار و بزه‌دیده را فراهم می‌کند و هدف آن، کاهش هزینه‌های دادرسی و ترمیم روابط اجتماعی است. شوراهای محلی و نهادهای مردمی نیز نقش مهمی در کشف جرم و پیشگیری ایفا می‌کنند و با همکاری نمایندگان دولت محلی، پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد تلاش می‌کنند عوامل جرم‌زا را شناسایی و راهکارهای پیشگیرانه ارائه دهند. پلیس محلی موظف است با همکاری نهادهای مردمی اطلاعات مربوط به جرایم را جمع‌آوری و به اشتراک بگذارد و با برگزاری جلسات منظم با اعضای جامعه، اعتماد عمومی را تقویت کند.

عدالت ترمیمی که یکی از اصول کلیدی این سیاست است، تلاش می‌کند با برگزاری جلسات گروهی میان بزه‌کاران، بزه‌دیدگان و اعضای جامعه محلی، خسارات ناشی از جرم را جبران و روابط اجتماعی آسیب‌دیده را ترمیم کند. اصلاحات قانونی در سال ۲۰۰۰ نقطه عطفی در تسهیل مشارکت عمومی در فرآیند دادرسی بود و امکان مداخله گسترده‌تر سازمان‌های مردم‌نهاد در پرونده‌های کیفری را فراهم کرد. در نهایت، سیاست جنایی مشارکتی فرانسه در حوزه قوانین شکلی نشان‌دهنده تعهد این کشور به ایجاد سیستمی عادلانه‌تر و کارآمدتر است که نه تنها بر اجرای عدالت رسمی تمرکز دارد، بلکه عدالت اجتماعی را نیز مدنظر قرار می‌دهد (Cario, 2018: 126).

۴. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در سیاست جنایی مشارکتی ایران و فرانسه

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و هیئت منصفه، از جمله نهادهای تأثیرگذار در سیستم‌های عدالت کیفری هستند که با تأکید بر مشارکت عمومی، به تضمین حقوق متهمان و قربانیان

کمک می‌کنند. این نهادها در دو کشور ایران و فرانسه نقش‌های متفاوتی دارند، اما هدف مشترک آنها، ارتقای شفافیت و عدالت در فرآیندهای قضائی است.

۴-۱. عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران

سیاست جنایی مشارکتی در ایران به طور عمده تحت تأثیر نظریات فقهی و اصول اسلامی قرار دارد. در این راستا، نهادهای غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی در تعاملات اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کنند. این نهادها، به‌ویژه در زمینه‌های حقوق بشر، عدالت کیفری و حمایت از حقوق شهروندان، فعالیت‌های چشم‌گیری داشته‌اند. نهادهای غیردولتی در ایران بیشتر بر اساس اصول اسلامی و احکام حکومتی عمل می‌کنند و در قالب سیاست‌های دولت و در چهارچوب قوانین شریعت فعالیت می‌نمایند. این سازمان‌ها نقش مهمی در ارتقاء آگاهی‌های عمومی، دفاع از حقوق متهمان و قربانیان جرائم و همچنین، ارائه مشاوره‌های حقوقی ایفا می‌کنند. به‌ویژه در زمینه‌های مرتبط با اصلاحات نظام کیفری و مبارزه با فساد، نهادهای مردمی می‌توانند به عنوان بازوی اجرایی دولت عمل کنند؛ هرچند که دخالت‌های حکومتی ممکن است محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های مستقل این نهادها ایجاد کند.

از ابتکارات قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به‌رسمیت شناختن سازمان‌های مردم‌نهاد یا سمن‌ها بوده است؛ مرجعی که حق دخالت در فرایند دادرسی کیفری را با اعلام جرم و تعقیب و مداخله در امر دادرسی پیدا کرده است، امری که تا قبل از این در سایر قوانین مسوق به سابقه نبوده است (جوانی، ۱۳۹۹: ۶۴). علاوه بر سازمان‌های مردم‌نهاد، هیئت منصفه به‌عنوان نهادی مشارکتی در روند دادرسی کیفری معرفی شده است. هیئت منصفه در ایران برای ایجاد توازن بین منافع عمومی و فردی و همچنین، تضمین حقوق متهمان در دادگاه‌ها به کار می‌رود. این هیئت به‌ویژه در محاکماتی که با جرائم سیاسی و مطبوعاتی روبه‌رو است، به‌عنوان یک نهاد نظارتی و مشورتی نقش دارد (لواسانی، ۱۳۹۷: ۷۱).

یکی از چالش‌های عمده در سیاست جنایی مشارکتی ایران، تأثیر احکام حکومتی و قوانین اسلامی بر آزادی‌های فردی و حقوق بشر است. این امر به‌ویژه در حیطه حفظ حریم خصوصی شهروندان و نظارت بر عملکرد قضائی و اجرایی حاکمیت مشهود است. در عین حال، برخی نهادهای مردمی توانسته‌اند از طریق همکاری با دستگاه‌های دولتی و در پی تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی، در فرآیندهای قضائی و اصلاحات سیاسی مؤثر باشند. در مجموع، سازمان‌های مردم‌نهاد و هیئت منصفه در سیاست جنایی مشارکتی ایران می‌توانند با همکاری بیشتر با نهادهای دولتی، به تقویت عدالت اجتماعی و حقوق فردی کمک کنند. این

نهادهای نقش حیاتی در فرآیند دادرسی و ایجاد شفافیت در نظام قضائی دارند، اما همچنان نیازمند نظارت و تأمین استقلال در عملکرد خود هستند.

۴-۲. عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق سیاست جنایی مشارکتی فرانسه

در حقوق کیفری فرانسه، سازمان‌های مردم‌نهاد و هیئت منصفه نقش‌های برجسته‌ای در سیاست جنایی مشارکتی ایفا می‌کنند. سیاست جنایی مشارکتی به‌عنوان یک رویکرد نوین در نظام حقوقی، تلاش دارد تا فرآیندهای قضائی و جنایی را از طریق مشارکت فعال جامعه، به ویژه گروه‌های مختلف اجتماعی و نهادهای غیردولتی، بهبود بخشد. سازمان‌های مردم‌نهاد در فرانسه در زمینه‌های مختلفی مانند حقوق بشر، حقوق مهاجران، پیشگیری از جرم، حمایت از قربانیان و پیگیری حقوق انسانی، در تلاشند تا بر سیاست جنایی تأثیر بگذارند. مشارکت این سازمان‌ها در فرآیندهای قضائی می‌تواند به ارتقای شفافیت، عدالت و پاسخگویی در سیاست‌های جنایی کمک کند. به علاوه، سازمان‌های مردم‌نهاد با فعالیت در زمینه نهادهای دولتی، نقشی مؤثر در جلب توجه به مسائل حقوق بشری و اصلاحات قانونی دارند (Pradel, 2008: 76).

همچنین، هیئت منصفه در فرانسه که به ویژه در پرونده‌های جنایی و کیفری حضور دارد، از نمایندگان عادی جامعه تشکیل شده و نقشی کلیدی در فرآیند دادرسی ایفا می‌کند. اعضای این هیئت که از جوامع مختلف انتخاب می‌شوند، در تصمیم‌گیری‌های قضائی مشارکت دارند و می‌توانند با دیدگاه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی خود، به تحلیل دقیق‌تر پرونده‌ها پرداخته و از هرگونه تصمیم‌گیری ناعادلانه جلوگیری کنند. در سیاست جنایی مشارکتی، هیئت منصفه به‌عنوان نمایندگان جامعه در محاکمات، نقش حیاتی در تضمین رعایت حقوق متهم و قربانیان دارند (Roudy, 2014: 96).

در مجموع، سازمان‌های مردم‌نهاد و هیئت منصفه در فرانسه ابزارهایی کلیدی برای تضمین مشارکت جامعه در فرآیندهای قضائی و جنایی هستند. این دو نهاد با همکاری یکدیگر به‌طور مؤثر می‌توانند به ایجاد سیستمی قضائی پاسخگو، شفاف و عادلانه کمک کنند که در آن، نظرات و دیدگاه‌های مختلف اجتماعی در تصمیمات قضائی لحاظ شود. از این‌رو، سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه از این نهادها بهره می‌برد تا عدالت اجتماعی را تقویت کرده و در پیشگیری از جرم تأثیرگذار باشد.

۵. وجوه اشتراک و افتراق سیاست جنایی مشارکتی در حقوق کیفری ایران و فرانسه

سیاست جنایی مشارکتی در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، نقش مهمی برای مشارکت عمومی مردم قائل است و این مشارکت می‌تواند به کاهش فشار بر دستگاه قضایی کمک کند. در فرانسه، شهروندان این امکان را دارند که دعای عمومی را حتی بدون داشتن وضعیت بزه‌دیده آغاز کنند و علاوه بر تعقیب قضایی توسط پلیس، نقش فعالی در فرایندهای کیفری ایفا نمایند.

اصلاحات سال ۲۰۰۰ در فرانسه به دادستان‌ها اجازه داده است سازمان‌های مردم‌نهاد را در مواجهه با جرائم خاص درگیر کنند تا بزه‌دیدگان از حمایت آنها بهره‌مند شوند. همچنین، هر فردی در صورت مشاهده جرم مشهود می‌تواند در دستگیری مرتکب و تحویل او به نیروهای پلیس مشارکت کند (Guillaume, 2017: 461)؛ در مقابل، در حقوق ایران، مشارکت مردمی بیشتر جنبه اسمی دارد و بیشتر در مواردی مانند مشارکت در پرداخت دیه از طریق نهادهایی مانند صندوق تأمین خسارت بدنی یا صندوق‌های اجتماعی نمود می‌یابد. در هر دو کشور، اقدامات مشارکتی در سیاست جنایی می‌توانند به صورت پیشگیرانه و واکنشی باشند. در ایران، این اقدامات بیشتر به مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در پیشگیری از جرم محدود می‌شود و هدف آن، بازدارندگی و کاهش انگیزه وقوع جرم است. در فرانسه، ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری حق دستگیری در جرایم مشهود را به اشخاص می‌دهد که رویکردی پذیرفته‌شده در برخی نظام‌های حقوقی دیگر نیز هست.

علاوه بر این، در فرانسه امکان مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در تعقیب قضایی برای حمایت از قربانیان، حتی بدون رضایت آنها، وجود دارد؛ در حالی که در ایران طبق تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، کسب رضایت قربانی برای اقدام قضایی الزامی است. این تفاوت نمادی از تفاوت در تکالیف و حقوق مدنی و قضایی نهادهای مردم‌نهاد در دو کشور است. میانجی‌گری به عنوان ابزاری کلیدی در سیاست جنایی مشارکتی در هر دو کشور مطرح است.

در ایران، تحت عنوان عدالت ترمیمی در ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری جدید و در فرانسه، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری به صورت رسمی به رسمیت شناخته شده است. اجرای میانجی‌گری در هر دو کشور بر توافق و رضایت طرفین تأکید دارد و به عنوان رویکردی مثبت در تسویه اختلافات جزایی و کاهش بار قضایی شناخته می‌شود. در ایران، از سال ۱۳۹۲ و در فرانسه، از دهه ۸۰ میلادی، این نهاد رسمیت یافته و در فرانسه، با اصلاحات

سال ۲۰۰۴، تفاوت میان میانجی‌گری و مصالحه‌کیفری به وضوح مشخص شده است (Carpentieri, 2010: 8)؛ با این حال، در ایران، به رغم توجه قانونگذار، توسعه مقررات میانجی‌گری هنوز ناکافی است و آیین‌نامه‌های جدید گام‌های مثبتی در پیاده‌سازی عدالت ترمیمی برداشته‌اند.

مقایسه وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه نشان می‌دهد که هر دو نظام گام‌هایی در تسهیل تأسیس و فعالیت این نهادها برداشته‌اند، اما فرانسه با مقررات ویژه و نظارت مناسب، استقلال بیشتری به سازمان‌های مردم‌نهاد داده است. در ایران، با وجود تصویب آیین‌نامه‌ای در سال ۱۳۸۴، ضعف‌ها و موانع اجرایی هنوز باقی است و تأخیر در اجرای قانون آیین دادرسی کیفری جدید مشکلات را تشدید کرده است. با این حال، قانون جدید ایران با الهام از نظام فرانسه، تلاش دارد حضور و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را در فرایندهای کیفری تقویت کند. در حوزه جبران خسارت (دیه)، هر دو کشور نقش مشارکتی سیستم غیرقضایی را در تأمین خسارات بدنی و پرداخت دیات دارند. این رویکرد در حقوق فرانسه ریشه در فرهنگ و حقوق قدیم دارد و در ایران نیز تحت تأثیر آن پذیرفته شده است. در فرانسه، تعیین خسارات بر اساس وضعیت شخصی و حرفه‌ای مصدوم صورت می‌گیرد و در ایران نیز جبران خسارت می‌تواند توسط خود زیان‌دیده، دولت، عاقله یا شرکت بیمه انجام شود. پرداخت دیه از بیت‌المال در ایران به عنوان مکانیزمی عدالت‌محور شناخته می‌شود که در نظام‌های پیشرفته نیز وجود دارد (بادینی، ۱۳۸۴: ۴۵۰). در فرانسه، در گذشته مبالغ معینی برای جبران خسارت بدنی پرداخت می‌شد، اما امروزه این رویکرد تغییر یافته است و خسارات بر اساس وضعیت فردی مصدوم تعیین می‌شود (Terré, 1993: 137).

در مرحله اجرای حکم، مشارکت مردمی در ایران بیشتر محدود به جرایم مالی و مواردی مانند پرداخت مهریه است که فرد محکوم می‌تواند با کار روزانه و تحمل دوره محکومیت شبانه، مجازات خود را بگذراند. این شیوه در سایر جرایم کمتر کاربرد دارد. در فرانسه، سیستم‌هایی مانند محیط‌های باز و نیمه‌آزادی وجود دارد که با تشویق و نظارت مردم، مجرمان را به بازگشت به جامعه ترغیب می‌کند. نهادهای جایگزین زندان مانند نظام پروبیشن یا تعلیق مراقبتی نیز با مشارکت نهادهای مدنی به اجرا درمی‌آیند. در ایران، نقش مردم و بخش خصوصی در اجرای مجازات‌ها محدودتر است و ورود بخش خصوصی در این مرحله مشاهده نمی‌شود. همچنین، پوشش رسانه‌ای اجرای مجازات‌ها در ایران کمتر است و مردم در این بخش کمتر دخالت دارند. سیاست جنایی مشارکتی وابسته به تصمیمات قضایی و حکومتی

است و میزان تحقق آن در کشورها متفاوت است. فرانسه با «قراردادهای ملی امنیت» که در سطح محلی امضا می‌شود، به پیشگیری کیفری، حمایت از قربانیان و امنیت اجتماعی توجه ویژه دارد؛ در حالی که ایران به دلایل مختلف، همکاری با نهادهای غیردولتی در این حوزه را کمتر پذیرفته است. موفقیت فرانسه می‌تواند الگویی برای ایران باشد تا با بهبود بروکراسی و فرایندهای قضایی، همکاری با نهادهای غیردولتی را گسترش دهد. به طور کلی، همکاری میان نهادهای مدنی، رسانه‌ها و دستگاه قضایی می‌تواند کارآمدی سیاست‌های جنایی مشارکتی را افزایش دهد، اما برای تحقق این هدف، نیاز به تدوین قوانین دقیق‌تر و رفع ابهامات قانونی است.

۶. موانع و چالش‌های پیاده‌سازی سیاست جنایی مشارکتی در ایران و فرانسه

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، سیاست جنایی مشارکتی به معنای همکاری فعال و مؤثر میان نهادهای دولتی و جامعه در تعیین و اجرای سیاست‌های کیفری است. این رویکرد با هدف تقویت اعتماد عمومی، کاهش جرم و بهبود سیستم قضایی، نقش مهمی در ارتقاء عدالت اجتماعی ایفا می‌کند. با این حال، موانع و چالش‌هایی وجود دارد که اجرای این سیاست را با دشواری‌هایی مواجه می‌کند.

۶-۱. چالش‌های اجرای سیاست جنایی مشارکتی در نظام عدالت کیفری ایران

سیاست جنایی مشارکتی یک رویکرد نوین است که با هدف جلب مشارکت فعال جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای قوانین جزایی شکل گرفته است. این رویکرد بر این باور استوار است که هر چه شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای قوانین مشارکت بیشتری داشته باشند، عدالت و اثربخشی سیستم قضایی بهبود خواهد یافت. در ایران، با توجه به تأثیر آموزه‌های دینی و دیدگاه‌های ایدئولوژیک، مشارکت در سیاست جنایی محدود است و این فرآیند با چالش‌های حقوقی و پیرا حقوقی متعددی روبرو است.

۶-۱-۱. چالش‌های حقوقی

چالش‌های حقوقی سیاست جنایی مشارکتی در ایران به مسائلی اشاره دارد که مانع از تحقق اهداف این رویکرد در نظام حقوقی کشور می‌شود. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تناقضات موجود در قوانین جزایی است که باعث می‌شود مشارکت عمومی در فرآیند تدوین و اجرای قوانین با دشواری‌هایی روبرو گردد. بسیاری از قوانین کیفری ایران، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون حقوق بشر، حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی با مشکلاتی از جمله عدم شفافیت و تداخل

در تفسیر مواجه هستند که موجب سلب اعتماد عمومی به سیستم قضایی می‌شود (علی عرب و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۵). چالش دیگر، ضعف در حقوق شهروندی و عدم تضمین‌های کافی برای مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌ها است. علی‌رغم وجود برخی ابزارها برای مشارکت عمومی، نظیر برگزاری نشست‌ها و شوراها، مشورتی، این فرایندها اغلب به صورت صوری و تحت نظارت‌های سخت‌گیرانه انجام می‌شوند که نتیجه آن، مشارکت محدود و گاهی سطحی مردم در سیاست‌گذاری‌ها است. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، محدودیت‌های ساختاری و نهادینه در نظام قضایی ایران است که مانع از ایجاد یک فضای باز و شفاف برای مشارکت مردمی می‌شود. وجود هنجارهای فقهی و آموزه‌های دینی که در قالب قوانین جزایی انعکاس یافته، خود به نوعی سد محکمی برای پذیرفتن رویکردهای نوین و مشارکتی به شمار می‌رود (رهگشا، ۱۳۸۳: ۸۳). این چالش‌ها بر اثربخشی سیاست جنایی مشارکتی تأثیر منفی گذاشته و روند اصلاحات در این زمینه را کند و دشوار می‌سازد.

۶-۱-۲. چالش‌های پیراحقوقی

چالش‌های پیراحقوقی در سیاست جنایی مشارکتی بیشتر به مسائلی مربوط می‌شود که فراتر از قوانین و مقررات رسمی قرار دارند. یکی از این چالش‌ها، نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف به مفهوم عدالت و مجازات است که می‌تواند بر اجرای سیاست‌های جنایی تأثیرگذار باشد. تفاوت‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی موجب می‌شوند که نهادهای مختلف، از جمله مراجع قضائی و پلیس، ممکن است رویکردهای متفاوتی به مسائل مشابه داشته باشند. علاوه بر این، تعامل میان افراد جامعه و سیستم قضائی می‌تواند با مشکلاتی همچون بی‌اعتمادی یا سوءتفاهم‌های فرهنگی روبرو شود که مانع از مشارکت مؤثر مردم در سیاست جنایی می‌گردد. این مسائل پیراحقوقی همچنین می‌تواند موجب تضعیف حقوق شهروندی و نقض اصول دادرسی منصفانه شود. در نهایت، کمبود آموزش و آگاهی عمومی در مورد حقوق و قوانین نیز می‌تواند مانعی برای تحقق سیاست‌های جنایی مشارکتی و گسترش فرهنگ حقوقی در جامعه باشد (شکوری، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

۶-۲. چالش‌های اجرای سیاست جنایی مشارکتی در نظام حقوقی فرانسه

سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه با چالش‌های حقوقی و پیراحقوقی متعددی روبرو است که اجرای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در اینجا، اهم این چالش‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

۶-۲-۱. چالش‌های حقوقی

سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه، که بر همکاری جامعه و نهادهای قضایی برای پیشگیری از جرم و اجرای عدالت ترمیمی تأکید دارد، با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است. این موانع که مستقیماً به قوانین، مقررات و ساختارهای قضایی مربوط می‌شوند، اجرای مؤثر این سیاست را با دشواری‌هایی روبرو کرده‌اند. یکی از چالش‌های اصلی، پیچیدگی و طولانی بودن فرآیندهای قضایی است. مراحل متعدد دادرسی، نیاز به مدارک دقیق و تشریفات قانونی، به‌ویژه برای قربانیانی که تجربه محدودی از سیستم قضایی دارند، موانع قابل توجهی ایجاد می‌کند. این پیچیدگی که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ریشه دارد، مشارکت فعال قربانیان در فرآیندهای مشارکتی مانند میانجیگری را کاهش داده و دسترسی به عدالت را دشوار کرده است. در همین راستا، محدودیت در دسترسی به عدالت ترمیمی، به دلیل عدم پیاده‌سازی کامل این رویکرد در تمامی سطوح قضایی، مشکل دیگری است. قوانین موجود، به‌ویژه در دادگاه‌های محلی، هنوز به‌طور کامل از سازوکارهای ترمیمی حمایت نمی‌کنند که این امر موانع بهره‌مندی گسترده قربانیان از خدمات میانجی‌گری یا مصالحه می‌شود. مقاومت قضایی در برابر روش‌های نوین نیز مانعی حقوقی است. بسیاری از قضات و وکلا، به دلیل ناآشنایی با مزایای عدالت ترمیمی یا نگرانی از انحراف از روش‌های سنتی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری، از پذیرش رویکردهای مشارکتی امتناع می‌کنند. این مقاومت، اجرای سیاست‌های ترمیمی را در محاکم کیفری محدود کرده است. همچنین، نگرانی‌های قانونی درباره نقض حقوق قانونی قربانیان در فرآیندهای میانجیگری، مانند ماده خطر نقض کرامت انسانی، مشارکت فعال قربانیان را کاهش داده است. قوانین فرانسه، از جمله ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری، بر احترام به کرامت تأکید دارند؛ اما فقدان دستورالعمل‌های روشن برای حفاظت از قربانیان در میانجیگری، این نگرانی را تشدید کرده است (Goldstein, 2019: 94).

تراکم بالای زندان‌ها که ناشی از قوانین سخت‌گیرانه کیفری و کمبود مجازات‌های جایگزین است، چالش دیگری است. این وضعیت، اجرای برنامه‌های توان‌بخشی را که نیازمند حمایت قانونی هستند، مختل کرده و مشارکت در فرآیندهای اصلاحی را کاهش داده است. در نهایت، نبود هماهنگی قانونی میان نهادهای قضایی، از جمله دادگاه‌ها و پلیس با سازمان‌های غیردولتی، به دلیل نقص در قوانین هماهنگی، اثربخشی برنامه‌های مشارکتی را کاهش داده است (King, 1989: 55).

۶-۲-۲. چالش‌های پیرا حقوقی

سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه، با چالش‌های پیرا حقوقی متعددی مواجه است. این موانع، که به‌طور غیرمستقیم بر اجرا تأثیر می‌گذارند، اجرای مؤثر این سیاست را دشوار کرده‌اند. نخست، تغییرات سیاسی باعث ناپایداری در برنامه‌های مشارکتی می‌شوند. تغییر دولت‌ها اغلب به قطع بودجه یا توقف برنامه‌های پیشگیری، مانند قراردادهای محلی امنیت، منجر شده و اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند. دوم، کمبود منابع مالی و انسانی اجرای برنامه‌ها را محدود کرده است. کمبود پرسنل پلیس و بودجه، تعامل با جوامع محلی، آموزش تخصصی و استفاده از فناوری‌های نوین را دشوار کرده و کارایی پروژه‌ها را کاهش داده است. سوم، مقاومت اجتماعی، ناشی از بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی یا تجربیات منفی با پلیس، مشارکت مردم، به‌ویژه در محله‌های حاشیه‌ای، را کاهش داده و اثربخشی برنامه‌ها را مختل کرده است. چهارم، تراکم بالای زندان‌ها فشار بر سیستم قضایی را افزایش داده و برنامه‌های بازپروری را تضعیف کرده است. این وضعیت، مشارکت جامعه در توان‌بخشی را محدود کرده و کیفیت خدمات اصلاحی را کاهش داده است. در نهایت، تضمین حقوق بشر در برنامه‌های پیشگیرانه چالش‌برانگیز است. نظارت گسترده ممکن است حریم خصوصی را نقض کند و دسترسی محدود به وکیل در مناطق روستایی، رعایت کرامت انسانی و عدالت را دشوار کرده است (Touillier, 2017: 48).

به منظور مقابله با چالش‌های پیش‌روی سیاست جنایی مشارکتی، چند راهکار عمومی می‌توان ارائه داد. نخست، ساده‌سازی فرآیندهای قضایی و کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها می‌تواند به تسهیل دسترسی به عدالت و کاهش استرس قربانیان و متهمان کمک کند. دوم، برای افزایش پذیرش عدالت ترمیمی، نیاز به آموزش مستمر و آگاهی‌بخشی در میان قضات، وکلا و تمامی ذی‌نفعان وجود دارد تا مزایای این رویکرد بهتر درک شود. همچنین، تقویت همکاری بین نهادهای مختلف، از جمله نهادهای قضایی، اجرائی و اجتماعی، می‌تواند اثربخشی فرآیندهای سیاست جنایی مشارکتی را افزایش دهد. در نهایت، تخصیص منابع کافی مالی و انسانی برای اجرای مؤثر این سیاست‌ها و ایجاد ثبات در تصمیمات سیاسی، نقش مهمی در موفقیت این رویکرد خواهد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی مشارکتی در حقوق کیفری ایران و فرانسه نشان می‌دهد که هر دو کشور، علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و قانونی، در تلاش برای پاسخ به چالش‌های معاصر در پیشگیری و مدیریت جرم هستند. این پژوهش نشان داد که سیاست جنایی مشارکتی در ایران، با تکیه بر مبانی فقهی و شرعی، بیشتر به سمت ایجاد تعامل بین نهادهای دولتی و اجتماعی متمایل است. این امر باعث شده که نظام حقوقی ایران رویکردی انعطاف‌پذیر و موضوع‌محور در تعریف و برخورد با جرایم اتخاذ کند. با این حال، موانع قانونی، نهادی و تأثیرات سیاسی و ایدئولوژیک، گاهی مانع پیشرفت اجرای سیاست‌های مشارکتی در این کشور شده است. در مقابل، سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه، که مبتنی بر سنت‌های حقوقی مدرن و دموکراتیک است، با تخصیص منابع به اقدامات پیشگیرانه، بازپروری مجرمین، حمایت از قربانیان و رعایت تناسب مجازات‌ها، پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است؛ اما حتی در فرانسه نیز ظهور جرایم جدید و پیچیدگی‌های اجتماعی، نیاز به بازنگری در قوانین و واکنش‌های سریع‌تر را اجتناب‌ناپذیر کرده است. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که محدودیت‌های فرهنگی و ساختاری در ایران و نیاز به واکنش‌های سریع‌تر و توسعه مستمر در فرانسه، از عوامل مهمی هستند که بر سیاست‌های جنایی مشارکتی هر دو کشور تأثیر گذاشته‌اند. با این وجود، هر دو کشور در پیاده‌سازی این سیاست‌ها بر نقش مشارکت جوامع محلی، نهادهای مدنی و ارتباطات بین‌نهادی تأکید دارند. یافته‌ها حاکی از آن است که مشارکت‌های مؤثر میان عوامل دولتی و غیردولتی می‌تواند نه تنها به کاهش نرخ جرم منجر شود، بلکه حس امنیت عمومی و اعتماد به نهادهای حکومتی را نیز تقویت کند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که هر دو کشور طرح‌هایی برای گسترش مشارکت در سطوح مختلف جامعه اجرا کنند و نقش جوامع محلی و سایر ذی‌نفعان را در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تقویت نمایند. همچنین، بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و تطبیق آنها با نیازهای بومی می‌تواند گامی مؤثر در توسعه سیاست‌های جنایی مشارکتی باشد. در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که پیشرفت در سیاست جنایی مشارکتی مستلزم نگرشی تطبیقی و جامع است که بتواند تفاوت‌های محلی را درک کرده و هم‌زمان از رویکردهای نوآورانه جهانی بهره‌بردارد. این امر می‌تواند بستری برای گفت‌وگوهای مؤثرتر و سیاست‌های عادلانه‌تر فراهم کند و به تحقق جامعه‌ای امن‌تر و با ثبات‌تر کمک نماید.

منابع

- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۰۴). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع دار صادر.
- استخر، دانیال. (۱۳۷۸). *نهاد قضا و قانون*. تهران: نشر مرسا.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۹). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۲). *جایگزین‌های زندان و مجازات‌های بینابین*. تهران: نشر گرایش.
- بادینی، حسن. (۱۳۸۴). *فلسفه مسئولیت مدنی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تاج زمان، دانش. (۱۳۶۶). *مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست*. تهران: انتشارات کیهان.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۴). *سیاست جنایی مشارکتی*. تهران: انتشارات میزان.
- جوانی، فاطمه. (۱۳۹۹). *سازمان‌های مردم‌نهاد*. تهران: انتشارات ساکو.
- حیدرخواه، لطف الله. (۱۳۹۷). *سیاست جنایی حاکم بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*. *مطالعات علوم اجتماعی*، ۱(۴)، ۶۱-۴۹.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/creator/565825>
- خالقی، علی. (۱۳۹۴). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. تهران: انتشارات شه دانش.
- دلماس مارتی، مری. (۱۳۹۴). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه حسین علی نجفی ابرندآبادی. تهران: میزان.
- رستمی، ولی. (۱۳۸۶). *مشارکت مردم در فرآیند کیفری؛ بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی*. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۷(۲)، ۱۷۱-۱۳۹.
- https://jllq.ut.ac.ir/article_18725.html
- رهگشا، امیرحسین. (۱۳۸۳). *نگاهی به شوراهای حل اختلاف*. تهران: انتشارات دانشور.
- روسو، ژان ژاک. (۱۴۰۰). *قرارداد اجتماعی*. ترجمه غلامحسین زیرک زاده. تهران: انتشارات قاصدک صبا.
- شکوری، محسن. (۱۳۸۸). *مشکلات و چالش‌های عملی فراروی توسعه مشارکت در حقوق ایران*. تهران: انتشارات راه حق.
- صدری، کیوان. (۱۳۴۷). *سیاست کیفری در دوران انقلاب شاه و ملت*. تهران: بی نا.
- علی عرب، عظیم؛ خاقانی اصفهانی، مهدی و مجیدی، سیدمحمود. (۱۴۰۰). *بایسته‌های توان‌افزایی جامعه مدنی در تقویت سیاست جنایی مشارکتی ایران*. *مطالعات فقه اقتصادی*، ۳(۵)، ۱۳۹-۱۲۱.
- https://journal.ihrci.ir/article_147644.html
- فوکو، میشل. (۱۴۰۰). *مراقبت و تنبیه*. ترجمه افشین جهامدیده و نیکو سرخوش. تهران: نشر نی.
- قطب‌الدینی، صالح. (۱۳۹۸). *تاریخ قوه قضاییه ایران؛ تأسیسات، سازمان‌دهی و عملکرد*. تهران: بی نا.
- لازرژ، کریستین. (۱۳۹۰). *سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات میزان.

موسوی الخمينی، روح الله. (۱۳۷۰). *تحریر الوسيله*. قم: انتشارات دارالقلم.
موسوی فر، سیدمحسن و خسروی، کاظم. (۱۴۰۱). بازاندیشی سیاست جنایی فقه جزای امامیه قبال جرایم سیاسی. *آموزه‌های فقه و حقوق جزاء*، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۲۹.
<https://ensani.ir/file/download/article/1671262219-10630-1-7.pdf>
نویسی لواسانی، امیر. (۱۳۹۷). جایگاه هیئت منصفه در دادرسی جرایم مطبوعاتی. تهران: انتشارات ندای کارآفرین.

- Cario, Robert, and Benjamin Sayous. (2018). Restorative Justice in France: Some Reflections on Its Current Development by the French Institute for Restorative Justice, *The International Journal of Restorative Justice*, 1(1). 122–131.
https://brill.com/view/journals/tij/1/1/article-p122_8.xml
- Fionda, Julia. (1995). *Public Prosecutors and Discretion: A Comparative Study*. Oxford University Press.
- Goldstein, J. (2019). *Restorative Justice: Theoretical Foundations and Practical Applications*. Oxford University Press.
- King, M. J. (1989). Crime prevention French style, Australian & New Zealand. *Journal of Criminology*.
- Carpentieri, L. (2010). *Restorative justice in France: obstacles for the application of a truly restorative approach to French dispute resolution*. Dalloz.
- Guillaume, Payan. (2017). *La médiation pénale*, N. Fricero (dir.). Le guide des modes amiables de résolution des différends. Dalloz.
- Pires, Alvaro. (2016). *Theoretical and Applied Perspectives on Restorative Justice*. Ashgate Publishing.
- Pradel, Jean and Mares, Isabelle. (2018). *Répertoire de la Jurisprudence et des Pratiques en Droit Pénal*. Dalloz.
- Pradel, Jean. (2018). *Droit Pénal Comparé*. 3rd ed. Dalloz.
- Roudy, Claude. (2014). *Les jurés d'assises en France: Histoire, institution, pratique*. Presses Universitaires de France.
- Terré (François), Simler (Philippe). (1993). *et Lequette «Droit» civil, Les obligations*, edition, Éditions Dalloz.
- Touillier, Marc. (2017). *Rights of Crime Victims to Have Access to Justice – A Comparative Analysis: Country Report France*, Institut Français des Droits et Libertés